کدام مواضع اردشیر زاهدی ضدانقلاب را اذیت کرد؟

زاهدی با اینکه شناخته شده‌ترین چهره پهلوی در دنیا بعد از محمدرضا شاه بود، اما درگذشت او به جای سوگواری، موجی از شادی را در بین سلطنت طلبان به وجود آورد! اردشیر زاهدی پسر فضل الله زاهدی نخست وزیر پس از کودتای ۲۸ مرداد، داماد شاه، وزیر خارجه پهلوی و آخرین سفیر ایران در آمریکا پنجشنبه گذشته پس از طی یک دوره بیماری در شهر مونتروی سوئیس درگذشت اما باوجود اینکه او و پدرش از وفادارترین افراد به خاندان پهلوی بودند، درگذشت او با حجم زیادی از واکنش‌های منفی جریانات اپوزیسیون روبه‌رو شد.

زاهدی در مصاحبه معروفی که از او منتشر شده، گفت: «من در عمرم هرگز قاسم سلیمانی را ندیدم، اما او خون ایران و افتخار ایران است». از دیگر مواضع او که سبب عصبانیت جریانات ضدانقلاب شد، این بود که تصریح کرد: «در دوران پهلوی چندین میلیارد پول برای خرید هواپیما دادیم، اما امروز ایران خود هواپیما و زیردریایی می‌سازد، من به آن افتخار می‌کنم». او همچنین در مطلب دیگری گفت: ایران آمریکا و اسرائیل را به زانو درآورده است. او همچنین در مقاله‌ای در نیویورک تایمز که ماجرای آن در مصاحبه‌مان با مهرزاد بختیاری منش تشریح شده، خطاب به دونالد ترامپ نوشت: «تاریخ به متجاوزان خارجی درس داده خیال خام خُرد کردن ایران را رها کنند. گربه‌ها در آرزوی گرفتن موش می‌مانند. هیچ‌کس نمی‌تواند ایران را در هم بشکند و خُرد کند و هیچ قلدری هرگز در قبال ملت ایران موفق نبوده است».

درنگ

مهرزاد بختیاری منش
پژوهشگر تاریخ

امید ادیب | گفت‌وگو با کسی که از تهران، مواضع اردشیر زاهدی را تا حد زیادی تغییر داد، می‌تواند جذاب باشد؛ به‌ویژه اگر زاهدی هزاران سند هم برای او پست کرده باشد! «مهرزاد بختیاری منش» [سردار اکبری سابق] که کتاب‌هایش از سال ۱۳۸۲ تاکنون در حوزه تاریخ معاصر انتشار یافته، از سال ۱۳۹۴ و در جریان پروژه تاریخ شفاهی ایرانی با زاهدی آشنا شد و از آن زمان تا همین دو هفته پیش تماس‌های روزانه و هفتگی مداومی با او داشت و به تدریج نگاه او نسبت به جمهوری اسلامی و شرایط ایران تغییر کرد. این آشنایی دلیلی شد تا با این پژوهشگر تاریخ گفت‌وگویی داشته باشیم؛ بختیاری منش، در این مصاحبه با ما از حدود ۶۰۰ ساعت تماس تلفنی ضبط شده‌اش با اردشیر زاهدی در ۶ سال اخیر سخن گفته، لابی‌های گسترده اردشیر زاهدی به نفع مردم ایران در سال‌ها و حتی ماه‌های اخیر را تشریح کرده و برای نخستین بار افشا می‌کند زاهدی برای حل مسئله هسته‌ای ایران، حتی با جو بایدن رئیس جمهور آمریکا و اعضای دفتر ریاست جمهوری هم تماسی تلفنی داشته است.

گفت‌وگو با کسی که از تهران مواضع اردشیر زاهدی را تغییر داد

اپوزیسیون علیه اپوزیسیون

دوستی قدیمی زاهدی و کسینجر

گزیده
اردشیر زاهدی در دوره‌ای موجب سلب مشروعیت بنیادی و اساسی از رژیم پهلوی شد که شعار «رضاشاه روحت شاد» داده می‌شد. با موضع گیری زاهدی درباره شهادت حاج قاسم، افرادی که نگاه احتیاط آمیز داشتند این احتیاط را کنار گذاشتند و برای سردار سلیمانی موضع گرفتند.

■ **جناب آقای بختیاری منش، بفرمایید نخستین آشنایی شما با آقای اردشیر زاهدی از کجا و در چه زمانی بود؟**

من از سال ۱۳۹۴ که پروژه تاریخ شفاهی را شروع کردم، به واسطه یکی از دوستان با آقای ارشیر زاهدی آشنا شدم. آن زمان ایشان خیلی نسبت به رژیم گذشته تعصب و از جمهوری اسلامی هم نفرت زیادی داشت. طبعاً کسی که در یک حکومت مسئولیت کلانی داشته، نمی‌تواند نسبت به رژیمی که آن حکومت را براندازی کرده، دلبستگی داشته باشد. او احساسات ناسیونالیستی و علاقه به کشور داشت. در واقع مثل خیلی از رجال سیاسی نبود که بگوید حالا که من دیگر در این کشور نیستم، پس هرچه بادا باد.

■ **دقیقاً تفاوت زاهدی با دیگر چهره‌های اپوزیسیون در چه بود؟**

اردشیر زاهدی مثل بسیاری از اپوزیسیون‌ها نبود که حاضر باشد برای برگشت به قدرت هر کاری بکند. اگر چه از شرایط تغییر رژیم از سلطنت به جمهوری اسلامی در ایران رضایت نداشت، اما در مسئله کشش به طرف خارجی با دیگر اپوزیسیون‌ها تفاوت داشت. او مثل خیلی‌ها حاضر نبود برای رسیدن به قدرت هر اصلی را زیر پا بگذارد. شما می‌بینید حتی برخی حاضر هستند که کشور بمباران بشود یا آمریکا به ایران حمله کند تا آن‌ها به قدرت برسند. پس در اینجا یک قدم از دیگر چهره‌های اپوزیسیون جلوتر بود.

■ **سلسله گفت‌وگوهای شما با زاهدی چگونه بود؟**

من از سال ۱۳۹۴ بیشتر از ۶۰۰ ساعت مکالمه تلفنی ضبط شده با او دارم. ما تقریباً هر هفته گفت و گو داشتیم. به ندرت پیش می‌آمد که من دو هفته یک بار با او گفت‌وگو کنم. بسیاری روزها هر روز با هم صحبت می‌کردیم. درباره درون کشور اخباری که از رسانه‌های خارج می‌شنید را معمولاً از من می‌پرسید که آیا صحت دارد یا نه؛ چون علاقه‌مند شده بود اطلاعات تازه ای از ایران و شرایط کشور بدست آورد. تفاوت من و او در این بود که من می‌خواستم از گذشته بدانم، ولی او می‌خواست از امروز بداند.

■ **زاهدی به جز اطلاعات شفاهی، سندی هم به شما داده است؟**

بله، او حدود ۴ هزار برگه سند برای من ارسال کرد تا در کتاب خاطراتش منتشر شود و این‌ها را از آرشیوهای وزارتخانه‌های خارجه کشورهای مختلف و مراکز اسناد خریداری کرده بود. تاکنون سه جلد از خاطرات زاهدی منتشر شده، اما قرار است جلد چهارمی هم اضافه شود که انحصاراً گفت و گو با من است که ان‌شاءالله به زودی با اسنادی که ارسال کرده و اسنادی که خودم در ایران گرد آوردم چاپ خواهم کرد.

■ **این خاطرات کی منتشر می‌شود؟**

با فوت آقای زاهدی پروژه ما متوقف شد و به یاری خدا آنچه بدست آمده تا پایان امسال منتشر خواهد شد.

■ **زاهدی در سال‌های اخیر مواضعی در دفاع از ایران داشته است؛ اوایل که کار را شروع کردید نسبت به نظام چه نظری داشت؟**

او پس از سرنگونی حکومت شاه، مانند یک تبعیدی در سوئیس زندگی می‌کرد در ویلای کوچکی که از پدرش به ارث رسیده بود. او در این سال‌ها مصاحبه‌هایی که با مطبوعات داشت در تمجید شاه و نفی حکومت ایران بود تا زمانی که من در پروژه تاریخ شفاهی با وی آشنا شدم. اردشیر زاهدی وقتی با توضیحات من درباره شرایط فعلی ایران و نظام حاکم بر کشور مواجه شد، نگاهش نسبت به جمهوری اسلامی تغییر کرد. در خلال تماس‌های تلفنی من با او این بحث در گرفت که دستاوردهای رژیم شاه و نظام فعلی در حوزه‌های گوناگون چه بوده است. پس از اینکه اطلاعات تاریخی لازم را از او گرفتم به جایی رسیدم که من با او وارد جر و بحث می‌شدم. مثلاً آمار می‌دادم که در ایران آمار دانشجویان پزشکی ۶۰ برابر شده است. برای او توضیح می‌دادم که در ایران ضریب جینی کمتر شده، نفوذ منطقه‌ای ایران بیشتر شده و از همه مهم‌تر استقلال کشور بیشتر شده است. به او می‌گفتم اکنون هیچ کشوری نمی‌تواند به ما دستور بدهد. من در خلال این مباحث جمله‌ای گفتم که زاهدی خیلی تحت تأثیر قرار گرفت؛ گفتم شما که از عزت ملی صحبت می‌کنید، این چه عزتی است که یک افسر جزء وارد کشور ما می‌شد و به پادشاه کشور می‌گفت وسایلت را جمع کن و از ایران برو و شاه هم رفت؟! به او گفتم اگر امروز یک افسر آمریکایی یا روسی در ایران چنین چیزی بگوید، شاید اعدام نشود ولی قبل از اخراج حتماً کتک مفصلی می‌خورد! پس از اینکه این صحبت را کردم، زاهدی دقایقی سکوت کرد و در فکر فرو رفت، با اینکه اصلاً اهل ساکت ماندن نبود.

■ **می توانیم ادعا کنیم زاهدی یک نگاه سانسور شده و ایزوله شده‌ای نسبت به وقایع کشور داشت و با گفت‌وگوهای شما تغییر یافت.**

بله. در خلال مباحث ما، این جرقه در ذهن زاهدی خورد که نسبت به پیش فرض هایش درباره جمهوری اسلامی تجدیدنظر کند. من به زاهدی گفتم در جنگ هشت ساله ۴۰ کشور علیه ایران بودند و یک وجب از ایران جدا نشد، اما در زمان پهلوی که همه دنیا از شما حمایت می‌کردند، بحرین را دادیم. حتی به او گفتم که شما نصف جزیره ابوموسی را به امارات داده بودید، اما جمهوری اسلامی، در سال ۱۳۵۹ آن را پس گرفت. بعد از مدتی به من می‌گفت که اطلاعات و آمار بده. در گفت‌وگوهای بعدی، کمتر خودش را سانسور می‌کرد و نقطه ضعف‌های رژیم پهلوی را که هیچ وقت در مطبوعات نمی‌گفت، ابراز می‌کرد؛ گویی درددل‌های قدیم خود را تسکین می‌داد. کم کم فضای فکری زاهدی متحول شد. این گفت‌وگوها مصادف شد با زمانی که ترامپ در سال ۱۳۹۵ در آمریکا روی کار آمد و شروع به برنامه ریزی علیه ایران کرد.

■ **زاهدی در برابر ترامپ مواضع سفت و سختی داشت؟**

بله، من به او گفتم شما در آمریکا هنوز نفوذ دارید و افرادی مانند هنری کسینجر و جو بایدن با شما ارتباط دارند. به او گفتم ما برخلاف اسرائیل و عربستان هیچ لابی‌ای در آمریکا نداریم. نقطه ضعف آمریکایی‌ها این بود که با پول می‌شود نمایندگان و اعضای کنگره را خرید. به او گفتم ما در ایران این امکان را نداریم اما شما که این سرزمین را دوست دارید، این کار را بکنید، حتی اگر حکومتش را مطلوب ندانید، این حکومت دارد این سرزمین را حفظ می‌کند. بدون این حکومت، کشور در خطر تجزیه خواهد بود و هم مشکلاتش بیشتر از حالا خواهد بود. برای او توضیح دادم نیروهای اپوزیسیون، سلطنت طلبان، رضا پهلوی و مجاهدین و تجزیه طلب‌های خلقی از طریق گفت‌وگو با اعضای پارلمانی در اروپا و آمریکا لابی می‌کنند، تا جایی که مواجب بگیر مجاهدین یعنی جان بولتون به ترامپ مشاوره می‌دهد. به او گفتم رجال آمریکایی تصور می‌کنند اپوزیسیون ایران تنها اپوزیسیون ایران هستند و چون ایران را نمی‌شناسند تصور می‌کنند، این نیروها مورد تأیید مردم هستند. گفتم جایگاه شما طوری است که اگر وارد بشوی می‌توانی شر این‌ها را به خاطر تحریکاتی که انجام می‌دهند، از سر مردم ایران کم کنید. به او گفتم کسی که به تحریم یا جنگ تحریک می‌کند، به مردم ایران خیانت می‌کند. پس از این صحبت‌ها گفت: «از من چه کاری بر می‌آید؟» دقیقاً همین جمله را گفت. من گفتم شما ببینید که رجال آمریکایی کدام روزنامه را می‌خوانند. ترامپ، پمپئو و دیگران کدام روزنامه را می‌خوانند، یک بیانیه به زبان انگلیسی در آن روزنامه بدهید.

■ **پس پیشنهاد آن یادداشت معروف در نیویورک تایمز هم از شما بود؟**

همین‌طور است. اولاً زاهدی قبلاً واکنشگر بود، اما از این هنگام تهاجمی و چالشی به صحنه سیاسی برگشت و تا آنجایی پیش رفت که درنشریات انگلیسی زبان به مثلث جان بولتون، ترامپ، پمپئو حملات فزاینده ای را شروع کرد و از حالت محافظه‌کاری همیشگی بیرون آمد. حتی زاهدی به من گفت نکاتی که جالب می‌دانی به من بگو. من هم بعضی مسائل مانند فاجعه یمن را تأکید کردم و همچنین بروز بحران انسانی از خسارت‌های شدید تحریم‌های آمریکا بر ایران را یادآوری کردم. همان زمان مجاهدین خلق می‌خواستند در منطقه ای در لس آنجلس که مرکز سلطنت طلب هاست، یک میتینگ بزرگ با سخنرانی شخص ترامپ برگزار کنند. با یادداشت آقای زاهدی به عنوان پیشکسوت و ریش سفید پیشین سلطنت طلب‌ها این جریان به بحران سلب مشروعیت دچار شد، و این موضوع سبب شد سخنرانی ترامپ و کل حرکت هواداران پهلوی ومجاهدین و تجزیه طلبان روی هوا برود و کنسل شود. سپس حمله رسانه‌های غربی به او شروع شد، اما نمی‌شد در داخل از او حمایت کرد؛ چون هنوز برچسب پهلوی روی او بود و به سابقه‌اش بیش از قابلیت و موضع جدیدش توجه می‌شد. بنابراین بعد از مدتی گفتم الان وقتش است وارد رسانه‌های ایران بشوید و بتوانید با مردم ایران هم ارتباط داشته باشید.

■ **نگاه‌ها به زاهدی در داخل چطور بود؟**

همان نگاه‌های کلیشه‌ای که همه می‌دانند. می‌دانید که اردشیر زاهدی جنازه شاه را تغسیل کرده و امور کفن و دفن آن را انجام داده و به آن افتخار کرده است. این مسئله خیلی در داخل بازتاب داشته، مثلاً در صداوسیما می‌گفتند می‌خواهید صوت کسی را پخش کنید که افتخار می‌کند مرده شوی شاه است؟!

■ **دستاورد آشنایی شما با زاهدی در ضعیف شدن جریان سلطنت طلب‌ها چه بود؟**

این به لحاظ اعتبار زدایی سیاسی خیلی چشمگیر است که اردشیر زاهدی به فرح پهلوی و رضا پهلوی حمله کند؛ رضا پهلوی دایی مهناز زاهدی [دختر اردشیر زاهدی] می‌شود و این یک اتفاق شوک‌آور است که او اعمال ضدملی سلطنت طلب‌ها را محکوم می‌کند و عبارت «خائن» را برای آن‌ها به کار می‌برد! زاهدی هم البته دچار بعضی بحران‌ها روی سهم الارث دخترش مهناز با فرح و رضا شده بود. پس از این موضع گیری، اعتبار سلطنت طلب‌ها بی نهایت در مجامع غربی نزول کرد. یادمان باشد این اتفاق در دوره ای افتاد که شعار «رضاشاه روحت شاد» داده می‌شد و هشتگ هایی در تطهیر پهلوی زده می‌شد. در واقع اردشیر زاهدی موجب سلب مشروعیت بنیادی و اساسی از رژیم پهلوی شد.

■ **با توجه به اینکه زاهدی با بسیاری از دموکرات‌های قدیمی از جمله شخص جو بایدن رفاقت داشت، واکنش او به روی کار آمدن دولت بایدن در آمریکا چه بود؟**

براساس قوانین آمریکا مجلس سنا باید باردیگر برجام را تأیید می‌کرد، اما سناتورهای جمهوری‌خواه مانع این شده و به نوعی کارشکنی‌های خود را در دولت بایدن آغاز کردند. این مطلب را من برای نخستین بار است که افشا می‌کنم؛ اواسط اسفند ۱۳۹۹ وقتی در بیمارستانی بستری بود، گفت و گوی تلفنی محرمانه‌ای با بایدن رئیس جمهور آمریکا داشت و گفت که من آماده ام وساطت کنم تا ایران موضوع هسته ای را حل کند. پس از این گفت و گو آقای زاهدی با اطرافیان آقای بایدن تماس گرفت و گفت این ماجرای هسته ای باید به نتیجه برسد. زاهدی به آن‌ها می‌گفت در ایران نظر مردم این است که تحریم‌های آمریکا باید برداشته شود وگرنه نفرت عمومی علیه آمریکا ایجاد خواهد شد. در پیگیری‌های بعدی یکی از مشاوران بایدن به زاهدی گفته بود سناتورهای جمهوری خواه مانند تد کروز و تام کاتن که هردو مزدور اسرائیل هستند، مانع کار خواهند شد. زاهدی به من گفت جریان کار این‌طور است. من به او پیشنهاد دادم با سناتورهای قدیمی جمهوری خواه گفت و گو کنید و او که طبق عادت سیاسی خود یعنی حفظ رابطه با اشخاص همچنان با رجال قدیمی و متنفذ جمهوری خواه ارتباط خود را حفظ کرده بود، پیرو این پیشنهاد من، ازحدود چهار ماه قبل تا همین دو هفته قبل، حداقل با ۱۰ نفر [هفته ای یک نفر] از اعضای سنا و کنگره صحبت کرد.

■ **مثلاً چه افرادی؟**

افرادی مانند چاگ گرسلی، مایک کراپو، ریک اسکات و ریچارد شبلی که همگی تندروهای قدیمی جمهوری‌خواه بودند و از همه مهم‌تر کسینجر که ریش سفید آن‌ها به حساب می‌آید.

■ **ماجرای صوت معروفی که از شما و زاهدی درباره سردار سلیمانی منتشر شده، چه بود؟**

روز قبلی که سردار سلیمانی به شهادت برسد، ما با صداوسیما مشغول مذاکره بودیم که گفت و گو با زاهدی را روی آنتن ببریم. وقتی که ایشان شهید شد من با زاهدی تماس گرفتم. در ابتدا احتیاط کرد و گفت بگذار ببینیم انعکاس این اتفاق چه خواهد بود. در تماس دوم در همان روز به او توضیح دادم که آقای سلیمانی میهمان رسمی دولت عراق بوده و اتفاقاً آنجا رفته تا مشکل اعتراضات داخلی در عراق و روابط ایران و عراق را حل کند. من به زاهدی گفتم که کشتن مشهورترین مقام نظامی یک کشور، تحقیر مردم آن کشور است. در اینجا احساساتش درگیر شد. گفت من با مسعود بهنود و عنایت فانی تماس می‌گیرم که در بی بی سی گفت و گویی ترتیب دهند. اما اول با من مصاحبه کرد ولی صداوسیمای ما صوت او را به دلیل برخی ناهمراهی‌ها دیرتر از آن شبکه‌ها پخش کرد. تا آن موقع هنوز در تلویزیون مقاومت بود که صدای آقای زاهدی پخش نشود. ولی به خاطر سرسختی من و پیگیری آقای نادر طالب‌زاده سرانجام صوت روی آنتن رفت. با این مصاحبه افرادی که نگاه احتیاط‌آمیز داشتند این احتیاط را کنار گذاشتند و برای سردار سلیمانی موضع گرفتند و این مصاحبه تبدیل شد به پربیننده‌ترین گفت‌وگوی تاریخ معاصر که فیلم تلویزیونی آن حدود ۳۵ میلیون بیننده به احتساب انعکاس‌های آن در اینترنت داشت و مصاحبه نوشتاری آن هم حدود ۱۸ میلیون نفر در تلگرام، اینستاگرام و توییتر مشاهده شد. اینکه زاهدی بگوید این مرد یعنی حاج قاسم، خون ایران بود و کشتن او جنایت بود، خیلی اثرگذار شد. حتی در گروه‌های اپوزیسیون داخلی هم بعد از این مصاحبه، افرادی احتیاط را کنار گذاشتند و شاهد یک همبستگی در این موضوع بودیم.

■ **درباره علت فوت آقای زاهدی نظری دارید؟**

آقای زاهدی از سال ۹۶ مشکل ریه پیدا کرد. پارسال کرونا گرفت و از پلکان منزل سقوط کرد و پایش شکست. هشت ماه بستری بود. آب به دریچه قلب او نفوذ کرده بود و خودش می‌گفت هرلحظه احتمال دارد بمیرم. علت فوت هم ظاهراً نفوذ آب در قلبش بوده است.

■ **درباره حال خراب و احتمال مرگش نکته‌ای به شما نگفت؟**

چرا، با حالت شوخی و لحنی کاملاً عادی و بدون ترس می‌گفت من احتمالاً تا یکی دو ماه دیگر می‌میرم و حتی گفت سنگ قبر و نقشش را آماده کرده. فکر می‌کنم پزشک او را از ادامه حیات نا امید کرده بود. حدود یک ماه قبل عکس‌های تولد ۹۳سالگی او توسط خدمتکار منزلش برای من ارسال شده بود.

■ **گفته می‌شود زاهدی وصیت کرده در ایران تدفین شود.**

خیر، اطلاع دارم که چنین وصیتی نکرده، او محل قبرش در اروپا را مشخص کرده و حتی سنگ قبرش را خودش سفارش داده بود.

مزیت زاهدی نسبت به خاندان پهلوی

زاهدی در رژیم گذشته بعد از شاه از همه مشهورتر بود. شاه به دلیل روحیه‌ای که داشت اجازه نمی‌داد که رجال کشور حتی امثال امیرعباس هویدا با رسانه های خارجی مصاحبه داشته باشند اما به اردشیر زاهدی این اجازه را داده بود. رسانه‌های بین المللی چه در بلوک شرق و چه غرب، فقط شاه و زاهدی را می‌دیدند. او هم به دلیل روابط عمومی قوی اش می توانست از طریق دوستی شخصی با رجال آمریکایی آن‌ها را به طرف شاه متمایل نگه دارد.

گفت‌وگوی ویژه

در حاشیه

با اردشیر زاهدی چه کنیم؟

عبدالله گنجی فعال رسانه ای با اشاره به درگذشت اردشیر زاهدی نوشت: «ما قرار نیست زاهدی و امثال وی را در آغوش بگیریم یا تمجید کنیم و یا پیشنماز قرار دهیم. اما لازم هم نیست نیت‌خوانی کنیم و او را هل دهیم و خاموش کنیم. اثبات حقانیت ما از زبان او صادر شده است. زمانی این اثبات حقانیت برجسته می‌شود که او منافعش با انقلاب اسلامی آسیب دیده باشد و خانواده‌اش تحقیر شده باشند. او با ما نیست اما بر ما هم نیست». دکتر فؤاد ایزدی تحلیلگر مسائل سیاسی هم با اشاره به این موج گسترده پس از درگذشت زاهدی و همچنین مواضع او نوشت: «اردشیر زاهدی ثابت کرد برای حمایت از برنامه هسته‌ای ایران یا احترام به شهید سلیمانی نیاز نیست مذهبی باشیم، کمی غیرت ملی کافی است».